

عشق و پشتکار

بدون روش علمی

چهره‌های موسیقی ایران
گردآوری و نگارش: شاپور بهروزی
ناشر: کتاب سرا
۵۸۲ صفحه، ۴۰۰ تومان

کتاب در واقع مجموعه ناهمگن و کشتکولی است از اطلاعاتی که با زحمت، دلبستگی و علاقه بسیار، اما بدون رعایت معیارها و روش علمی تحقیق، نقد و بررسی گردآوری شده است. این کتاب که ادعای تاریخ‌نویسی و ادامه کار خالقی را دارد و مدعی ارائه شرح حال و احوال و آثار چهره‌های موسیقی ایرانی است، نمونه بسیار خوبی است برای اثبات این حقیقت بارها اثبات شده که برای ارائه یک کار تحقیقی، تنها "شور و اشتیاقی عاشقانه" و "عشق و شیدایی" و صداقت و امانت کافی نیست که دید و بینش، شناخت موضوع تحقیق، روش علمی و انتقادی، بررسی نقادانه منابع و مآخذ و... نیز باید که به کار آیند چرا که حتماً اگر هدف یک بررسی، فقط ارائه زندگینامه و نه تاریخ، نیز باشد، خود نیازمند شناخت روش کار و رعایت موارد بالاست و اگر چنین نباشد، که در کتاب حاضر نبوده است، حاصل کار، حداکثر، انبوهی اطلاعات درست و نادرست، کشتکولی از دست‌نامه‌های نقد نشده و متناقض از کار در خواهد آمد که با همه صداقت و امانت و عشق و زحمت مولف، به جای روشن کردن گوشه‌هایی از واقعیت، گمراهی و سردرگمی به بار خواهد آورد.

نوشتن تاریخ موسیقی ایران، کاری که زنده‌یاد روح‌الله خالقی، بدان همت گماشت و اثری درخشان چون "سرگذشت موسیقی ایرانی" را از خود به یادگار گذاشت، بسیار دشوار و با کمبود و پراکندگی اطلاعات و دانسته‌های لازم، شاید که هنوز زود هنگام باشد. در گام اول، باید که منابع کار فراهم آید تا پژوهشگران بتوانند با نقد و بررسی روشمند و متکی به معیارهای تعریف شده و با شناخت سره از ناسره به این مهم اقدام کنند. کتاب حاضر، اگر بگذشت و سنجیده ارائه می‌شد و اگر در نگارش و تنظیم آن روش علمی یک مورخ با شناخت یک موسیقی‌دان به کار گرفته می‌شد شاید که می‌توانست یکی از منابعی باشد که در آینده پژوهشگر تاریخ موسیقی و هنر را

گزیده شده است و چرا برخی از قلم افتاده‌اند. چرا به برخی از این چهره‌ها صفحات مفصلی اختصاص یافته و چرا از کسانی چون مشکاتیان و غلیزاده تنها در یک یا دو پاراگراف یاد شده است. این پرسش بویژه آنگاه اهمیت می‌یابد که برخی از قلم‌افزادگان از اساتید بزرگ موسیقی هستند (رضا لطفی و... و برخی از برگزیدگان را به زحمت می‌توان هنرمند درجه سه به حساب آورد. اگر مولف معیاری به دست می‌داد، آنگاه می‌شد انتخاب‌های او را بر اساس ملاکهای تعریف شده خود او بررسی کرد و یا به نقد معیارهای او نشست، اما تنها معیار و ملاکی که گویا راهنمای مولف در این کتاب بوده است آشنایی و ارتباط و به دست آوردن منبع و اطلاع در حدود مآخذ محدود است. مولف هر مطلبی را از هر منبعی بدون بررسی و نقد بدون شناخت سره از ناسره، بدون رعایت یکدستی و انسجام در کتاب خود گرد آورده است و از این‌رو در این اثر، از اطلاعات درست و مربوط به موضوع تا داده‌های نادرست و نامربوط، از هر نوع، چه مربوط به زندگی خصوصی، خصوصیات اخلاقی و روان‌شناسی فردی و چه مربوط به آثار هنری اشخاص در کنار هم و در یک‌دردیف به چاپ رسیده است.

نگاهی کوتاه به پیشگفتار و بخش اول کتاب به خوبی نشان می‌دهد که تنها پشتوانه مولف، عشق فراوان به کار و پشتکار بسیار بوده است. این دو فصل، به جای توضیح متدلوزی و ارائه معیارها و روش کار، به مباحث کلی و انشاگونه اختصاص یافته است. ذکر چند نمونه می‌تواند دلیل آشکار ادعای مزبور باشد. در تعریف موسیقی: "موسیقی بیان زیبا و بدیع عواطف با اصوات و آهنگهاست که از سه ارزش کلی زیبایی یعنی هنر، اخلاق و حقیقت باید برخوردار باشد" (ص ۲۵) مولف ظاهراً بر این گمان است که واژه‌هایی مانند "زیبا"، "بدیع"، "ارزش کلی زیبایی" خود به تعریف نیاز ندارند و از خود نبرسیده است که کدام اخلاق و کدام حقیقت؟ درباره موسیقی دانان: "کسانی که با موسیقی سروکار دارند... روانی پاک و سرشتی تابناک دارند" این معیار نیز آنقدر روشن و آشکار نیست که بتوان به کمک آن از دور و در شب تاریک هم جماعت موسیقی‌دان را از تابناکی سرشت و پاک‌ی روان تشخیص داد. درباره "ذات موسیقی ایرانی": "موسیقی ایرانی در ذات خود روحانی و عرفانی است؟! با این ذات‌شناسی درباره تقسیم‌بندی شاخه‌های موسیقی "به قومی و محلی، سنتی، آئینی، رزمی، جشن و شادی" و تقسیم‌بندی موسیقی معاصر به "سنتی و اصیل، محلی، سازی، آوازی، موسیقی نوین ایرانی، آئینی" نمی‌توان سخنی گفت چرا که این نوع



به کار آید، و در پی که زحمت بسیار مولف نتوانسته است کتاب را به چنین سطحی نزدیک کند.

در این کتاب مولف کوشیده است تا زندگینامه چهره‌های موسیقی ایرانی را به دست دهد. کتاب علاوه بر شرح احوال و آثار برخی از نوازندگان و خوانندگان، رهبران ارکستر، آهنگسازان، مربیان تعلم موسیقی و آواز، مصنفین شعر، آهنگ و ترانه‌سرایان نگاهی دارد به برنامه‌گله‌ها، تاریخچه هنرستان عالی موسیقی و هنرستان و هنرکده موسیقی، اندک‌تاملی در همین عناوین، دشواری کار مولف را بازمی‌نماید و از این‌رو می‌توان بسیاری از کاستیها و آشفتگی‌هایی را که در کتاب به فراوانی دیده می‌شود نادیده گرفت. اما آنچه به ارزش این اثر ضربه زده است نه این ضعفها که ندانستن متدلوزی و دیدی روشن از زندگینامه‌نویسی، آشنا نبودن با جریان نوآور و زنده موسیقی اصیل ایرانی و نشناختن شیوه نگارش کتب تاریخی است.

مولف هیچ توضیحی درباره معیار انتخاب‌های خود به دست نمی‌دهد و برای خواننده این پرسش را باقی می‌گذارد که چرا این یا آن کس به عنوان چهره موسیقی ایرانی

وسواس در گردآوری آثار درویش خان

زمینه‌ای فراهم می‌کند برای بررسی و نقد آثار استادانی که بر موسیقی ما و تکامل آن تاثیر داشته‌اند.

درویش خان و نوآوریهای او در موسیقی (ابداع پیش‌درآمد و...) و در تکامل سازهای ایرانی (افزودن سیمی بر تار و...) را کمتر کسی است که نشناسد و نقش مهم او در ارتقای موسیقی ملی ایران در دوره جدید بر کسی پوشیده نیست. از این رو مجموعه آثار درویش خان که به همت ارشد طهمبسی اکتون در دسترس موسیقی دانان قرار می‌گیرد می‌تواند بر شناخت هنرآموزان و استادان ما از موسیقی ملی بیفزاید. طهمبسی، خود در مقدمه کوتاهی بر کتاب می‌نویسد "درویش یکی از معدود نواغ موسیقی ایران بود. تاثیرات و ابداعات او در فرمهای موسیقی ایرانی مشهود است. آنچه به عنوان برترین ویژگی او می‌توان ذکر کرد همانا نوآوری و بویایی اوست در راه اعتلای موسیقی... درویش اولین آهنگسازی است که آثارش دارای نیک و شیوه است و همچنین اولین آهنگسازی است که تاریخ موسیقی ایران می‌تواند با استاد به آثارش از او یاد کند. استحکام و زیبایی آثار درویش نشان از نبوغ سرشار و پشتوانه صحیح موسیقی کلاسیک ایران در ذهن او دارد".

مجموعه آثار درویش خان بر اساس فهرست استاد روح‌الله خالقی تنظیم شده است که شامل ۲۴ اثر اوست. در مجموعه حاضر تنها جای ۲ اثر خالی است و طهمبسی توضیح داده است که "موفق به یافتن دو اثر نشدم یکی تصنیف ماهور و دیگری پیش‌درآمد ابوعطا. بنابراین جای آنها را خالی گذاشتم تا هرکس به این دواثر برخورد در صفحات مخصوص آن بنویسد. شعر و تصنیف و میزانهای دواثر بر اساس فهرست روح‌الله خالقی نوشته شده".

با امید آنکه زحمت طهمبسی در گردآوری و چاپ آثار درویش خان راهگشای چاپ مجموعه‌هایی از این دست باشد و آغازی برای بررسیهای عمیق بر آثار درویش خان و دیگران. شاید تنها نکته‌ای که در این مقال جای گفت‌وگو دارد تیراژ محدود کتاب (هزار نسخه) باشد که معلوم نیست به چه دلیلی چنین مجموعه ارزشمندی در چنین تیراژ محدودی منتشر شده است.

مجموعه آثار درویش خان
گردآوری: ارشد طهمبسی
ناشر: موسسه فرهنگی ماهور - انتشارات هنر و فرهنگ
۴۵ صفحه ۱۳۰ تومان

گردآوری و چاپ آثار بزرگان و استادان موسیقی ایرانی، کاری دشوار است که علاوه بر شیفتگی یک عاشق، دقت و وسواس یک محقق را می‌طلبد و حوصله، دانش و دل‌آگاهی بسیار. کمتر کسی است که ضرورت حفظ و چاپ این آثار را نداند و نداند که روش نقل سینه به سینه، به رغم تاثیرات مثبت، موسیقی ما را از چه امکانات پربراری محروم کرده است. در دوران ما، با در نظر داشتن مخاطبان و دبستان گسترده‌تری که بویژه در دهه اخیر به آموزش موسیقی ایرانی روی آورده‌اند، ضرورت گردآوری و چاپ چنین مجموعه‌هایی نه تنها هنرآموزان ما را به کار می‌آید که



تقسیم بندیها چنان کلی، مبهم و مغشوش‌اند که هیچ نوع بررسی جدی را نمی‌برازند.

منابع مولف در تدوین کتاب محدود به چند کتاب و یادنامه، مقالات و مصاحبه‌های مطبوعاتی، گفتارها و گفت‌وگوهای رادیویی، نوشته برخی از دوستان ویا خویشان درباره دوستان خود (که بر روال معمول سرشار از غلوه‌های دوستانه است)، شرح‌حالی‌ها به قلم ویا از زبان خود هنرمندان، بوده و این منابع هرچند به خودی خود منابعی زنده هستند و می‌توانند در یک اثر تحقیقی نقش مهمی بازی کنند، اما در این اثر جز آشفته‌گی نتیجه‌ای به بار نیآورده‌اند چرا که مولف توانایی ویا رغبت بررسی منابع خود را نداشته است. در نتیجه از کسانی که اهل این نوع مداهنه‌ها نبوده‌اند ویا خود یا کسان و دوستان آنها یا مولف آشنایی نداشته‌اند، حداکثر در یک یا دو پاراگراف یاد شده یا آنکه کلاً "ار قلم افتاده‌اند. به عنوان مثال در شرح حال نوازندگان تار درحالی که کسانی چون رضا لطفی از قلم افتاده‌اند و از علیزاده "به عنوان جوانی با استعداد" یاد شده است، صفحات متعددی به شرح کودکی تا استادی کسانی چون "حافظی" اختصاص یافته است که بنویسند در اولین روز کلاس "بچه‌ها پیش‌درآمد درویش خان را می‌زدند (ابوعطا) یک بار به دقت گوش کردم... گفتم خواهش می‌کنم ساز مرا کوچک کنید. سازم را کوچک کردند من هم شروع به زدن پیش‌درآمد کردم. معلم گفت تو که می‌گفتی دیروز تار را به دست گرفتی و... " مولف در نقل این شرح حال به قلم آقای حافظی یک بار از خود نپرسیده است که نابغی که در اولین باری که سازی را به دست می‌گیرد و بدون شناخت برده‌ها، انگشت‌گذاری، و... می‌تواند قطعه‌ای را به درستی اجرا کند چرا تا آخر حیات خود نتوانست یک اثر بزرگ خلق کند. به نظر می‌رسد که مولف در چاپ کتاب خود بسیار شتابزده بوده است. عکس‌کسانی در این کتاب چاپ شده است که از شرح احوال آنها هیچ ذکری نیست (استاد بی‌کجه‌خانی بطور مثال). و کوتاه سخن آنکه این کتاب می‌توانست اثری معتبر باشد اگر مولف یا ناشر دست‌نوشته و انبوه اطلاعات خام گردآوری شده را در اختیار موسیقی‌دانی آشنا با تاریخ و تاریخ‌نویسی ویا مورخی با اطلاع از موسیقی می‌گذاشت تا با گزیدن اطلاعات درست و مربوط به موضوع، اعمال روش تحقیق، تدوین و تنظیم، با حذف تعارضات دوستانه ویا خودستایی‌های غیر-هنرمندانه... آن را به سطح قابل‌قبولی می‌رساندند و امید آنکه مولف در چاپهای بعدی و در جلد دوم بتواند از زحمت بسیار خود نتیجه‌ای قابل‌قبول‌تر ارائه دهد.

ف. س